

## همنوازی

### در موسیقی ایران

نوشته روح‌الله خالقی



در موسیقی شرقی همواره تک‌نوازی اهمیت خاص داشته. هنگامی که داستانهای کهن موسیقی ایران را مطالعه می‌کنیم بدرستی متوجه این موضوع میشویم چه همه جا سخن از اینست که نوازنده‌ای با ساز خود تنها نواخته و یا همراه آواز خود هنرنمایی کرده است و در بسیاری از موارد چنان خوب از عهده این کار برآمده که در خاطر شنونده اثری نیکو گذاشته و او را شیفته و مجذوب هنر خود کرده و کمتر سخن از نواختن گروهی یا هم‌نوازی و اجرای دسته‌جمعی شده است ولی با جستجوی اوراق کتابهای قدیم چند نمونه از این موسیقی نیز بدست می‌آید.

در نقش برجسته طاقستان کرمانشاهان که از آثار دوره ساسانی است چند زن چنگ‌زن در قایقی نشسته‌اند و بنوازندگی مشغولند و پیداست که نوازندگی آنها صورت اجتماعی داشته است. در نقاشیهای تالار چهل‌ستون اصفهان که یادگار دوره صفوی است، جمعی نوازنده دیده میشوند که کمانچه و عود و سنتور و نای و دف میزنند و نوعی از ارکستر مجلس بزم را نشان میدهند. در اغلب مینیاتورهایی که در کتابهای خطی قدیم کشیده شده نوازندگانی بحال اجتماع بچشم می‌آیند.

بنابر نوشته مؤلف تاریخ عنصری « بازیگرها که بحسب تعداد متجاوز از پنجاه بودند سپرده به استاد مینا و استاد زهره بود و درحقیقت دودسته بودند که باتمام اسباب طرب از تار و سه تار و کمانچه و سنتور و ضرب و خوانندگان و رقاصان نصف در دست زهره و نصف در دست مینا خوانده میشدند. »<sup>۱</sup>

اوژن فلاندن فرانسوی که در زمان محمد شاه قاجار بایران آمده در سفرنامه خود مینویسد: « ایرانیانی که بسیار دولتمندند، بسر نهار دو سه مطرب میآورند... سازهایی که باین آواز همراهت يك دایره زنگی است ، يك چنگک ( مقصودش تار است ) و يك نوع ویولن که آنرا کمانچه می گویند. »<sup>۲</sup>

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه که وقایع روزانه دربار ناصرالدین شاه را در پانزده سال آخر عمرش نوشته و یادداشتهای سه سال آن بنام « وقایع دربار » بچاپ رسیده مکرر از دست نوازندگان که برسم آن زمان « عمله طرب » نامیده میشدند نام برده است. از جمله مینویسد: « در قصر قاجار بعد از نهار شاه مارا خواست . وارد باغ شدیم. عمله طرب بودند... » در جای دیگر مینویسد: « ... شش به غروب مانده وارد سلطنت آباد شدیم. در سرقات آفتاب گردان زده بودند. شاه نهار خوردند. عمله طرب خبر کرده بودند. از شهر آمدند. زیر درختهای آلبالو که تازه شکوفه کرده بود شاه نشست. قدری ساز زدند. »<sup>۳</sup>

دوستعلی میرالمالک مینویسد: « در روز آتش بزبان، میان سفره تنی چند از خواص نوازندگان جامیکرقتند... ملک الشعراء بینی چند... خواننده... آنکاه نوازندگان آهنک عراق و حجاز کرده باصفهان باز می گشتند. »<sup>۴</sup>

« ادوارد پرون » مینویسد: « میزبان برای سرگرمی مهمانها هیئت ارکسترهم میآورد و این هیئت جز در مهمانیهای بزرگ درباری مرکب از سه نفر است که یکی از آنها تار میزند و دیگری طبل میبوسم به دنبالش را مینوازد و سومی آواز میخواند. » بنا به نوشته میرالمالک در اواخر دوره ناصرالدین شاه دو دسته مطرب بوده اند که یکی را دسته « کورها » و دیگری را دسته « مؤمن » مینامیدند. دسته کورها مرکب بود از چهار مرد و دوزن. رئیس آنها « کریم » نام داشت و تار و کمانچه میزد.

۱ - تاریخ عنصری تألیف احمد میرزا عضدالدوله پسر فتحعلیشاه قاجار که وصفی از زمان او یعنی دوره محمدشاه و فتحعلیشاه قاجار است.

۲ - سفرنامه اوژن فلاندن - ترجمه حسین نورصادقی - چاپخانه روزنامه نقش جهان - چاپ سال ۱۳۲۶ هجری شمسی.

۳ - کتاب وقایع روزانه دربار ناصر - صفحات ۸۸-۹۲

۴ - یادداشت هالی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه - صفحه ۱۴۷

۵ - کتاب يك سال در میان ایرانیان - صفحه ۱۱۵



سه مرد دیگر یکی ضرب می‌گرفت و دوتن دف می‌زدند. دختر کریم کمانچه می‌کشید. زن دیگر هم میخواند. در دسته مؤمن خود مؤمن دایره میزد و میخواند و در علم موسیقی و درست خواندن مهارت داشت. او را دودختر بود که یکی ارگ دستی مینواخت و دیگری میرقصید. مادرشان هم ضرب می‌گرفت»<sup>۱</sup>

معیرالمالک از چند دسته نوازندگان زنانه دیگر هم صحبت میکند بنام دسته «گل رشتی»، دسته «طاووس» و دسته «ماشاءالله» که آنها نیز در اواسط بهار روزی که شاه بازنها و دختران و خانهای شاهزادگان در قصر قاچار بودند و آش رشته می‌بخشند، نوازندگی میکردند.<sup>۲</sup>

اوژن فلاندن در سفرنامه خود از مجلس انس ملک قاسم میرزا چنین حکایت میکند:

«در تمام مدت صرف غذا آهنگهای موسیقی و رقص رقاصان ادامه داشت. نوازندگان باستثنای کمانچه کش از خانها بودند. یکی از سازها کمانچه بود که از استخوان ماهی ساخته شده و دسته درازی با سه سیم داشت... در کنارش زنی با مضرب فلزی چنگ (تار) مینواخت. زنی دیگر تنبکی کوچک در زیر بازوی چپ داشت که بارو دست مینواخت و زن دیگری دایره می‌زد.»<sup>۳</sup>

در عکس‌هایی که از دوره ناصرالدین شاه باقی مانده و در بعضی از کتابها چاپ شده هیئت نوازندگان درباری زیاد هستند که معلوم میشود در مجالس انس درباری بهیئت اجتماع نوازندگی میکردند. مانند عکسی که از محمد صادق خان (سنتور) - اسمعیل خان (کمانچه) - و آقاغلامحسین (تار) با عده‌ای از بازیگران هست که اصل آن تابلو بیست که در سال ۱۳۱۰ ه. ق. کشیده شده و در موزه گلستان موجود است.

عکس دیگری از حسن سنتور خان - آقامطلب (کمانچه) - میرزا عبدالمولی و آقاغلامحسین (تار) و محمد صادق خان (سنتور) دیده میشود که چند خواننده هم پشت سر آنها ایستاده‌اند.<sup>۴</sup>

عکس دیگریست از حسین کریم کور و قلی‌خان (کمانچه) - محمد صادق خان (سنتور) - آقا حسینقلی و میرزا عبدالله (تار) و چند نوازنده دیگر.<sup>۵</sup>

«تاورنیه» که در زمان صفویه در ایران بوده است در کتاب خود از مجلس عیش

۱ - کتاب معیرالمالک صفحه ۲۹

۲ - کتاب معیر صفحه ۱۲۴-۱۳۶

۳ - سفرنامه اوژن فلاندن - صفحه ۶۹

۴ - جلد اول کتاب سرگذشت موسیقی ایران تألیف نگارنده صفحه ۶۵

۵ - سرگذشت موسیقی ایران - صفحه ۱۳۳



پادشاه گفتگو میکند و مینویسد :

« شاه خواست موزیک خود را بما بشنواند که مرکب بود از ساز و آواز . این سازها به آلات موسیقی بی شباهت نیستند . یک قسم چنگ است و یک کیتار (بربط) و یک سنتور کوچک و دو سه نی کلفت .<sup>۱</sup> باری آنچه مسلم است در دوران گذشته ارکستر ایرانی عبارت بوده است از چند نوازنده که گاه بهیشت اجتماع و زمانی تک تک نوازندگی میکردند ولی شک نیست که هم آهنگی در کار نبوده و اگر هم باهم مینواخته اند همه یک نغمه یا لحن را میزدند و ضرب (تنبک) و دف در واقع اکمپانیان را تشکیل میداده است . قسمت های ضربی که چند نوازنده میتوانند باهم بنوازند در سالهای اخیر که از آن بیشتر باخبریم « پیش درآمد » و تصنیف و رنگ بوده است که پیش درآمد از آن دو نوع دیگر جدیدتر است . رنگها و تصنیف ها سابقه بیشتری دارند . یک دسته از رنگ ها حتی در ردیف قدما هم دیده میشود مانند ضرب اصول<sup>۲</sup> در شور - حربی ماهور - رنگ دلکشا در سه گاه - لزکی و حاشیه در چهارگاه - رنگ فرح درهایون - فرح انگیز در اصفهان و شهر آشوب در شور و چهارگاه .

در اوایل دوره مشروطه که اجتماعات آزاد شد در تهران بتشویق صفاعلی ظهیرالدوله مرشد درویشان اخوان صفائی در جشن تولد حضرت علی علیه السلام که مصادف با روز سیزدهم ماه رجب بود، مجلس بزرگی در انجمن اخوت برپا میشد و وسائل تفریحی برای شرکت کنندگان فراهم میشد که از آن جمله « کنسرت » بود . رئیس ارکستر غلامحسین درویش بود و بهترین نوازندگان و خوانندگان زمانه در این کنسرت شرکت میکردند . گویند گاهی هیئت ارکستر به بیست نفر هم میرسید . تصنیف معروف « مولود نبی » که آهنگ و شعر آن را علی اکبر شیدا ساخته است نغمه خاص این جلسه بود که با این اشعار آغاز میشد:

مولود نبی محبوب خداست زین حسن ظهور عیش فقر است  
نازم بچنین بزمی که بیاست باهم بصفا سلطان و کداست

به به چه شهی به به چه وفا  
به به چه شهی به به چه کدا ...

۱ - سفرنامه ناوریه - صفحه ۷۳۹

۲ - ضرب اصول وزن خاصی داشته که سابقه بسیار قدیم دارد چنانکه سعدی گوید:  
بدوستی که ز دست تو ضربت شمشیر چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول  
و حافظ گوید :

مغنی نوای طرب ساز کن بقول و غزل قصه آغاز کن  
که بار غم بر زمین دوخت پای بضرب اصولم برآور ز جای



انجمن اخوت سرودی هم داشت که در آغاز کنسرت نواخته میشد ولی باشم  
توأم نبود و آهنگ آن درمایهٔ دشتی بود.

پس از آن که « باقراوف » در خیابان لاله زار مهمانخانه ای بنام « کراندهتل »  
بنامود و در جنب آن تالار نمایشی احداث کرد کنسرت‌هایی در این تالار داده میشد  
که موسیقی‌دان‌هایی چون درویش و عارف از پیشقدمان آن بودند. برنامهٔ این کنسرت‌ها  
از پیش درآمد و آواز و تصنیف و رنگ تشکیل میشد که قسمت‌های ضربی را هیئت  
ارکستر بطور دسته‌جمعی مینواختند. بتدریج سازهای اروپایی نیز به این ارکسترها  
اضافه شد مانند پیانو و ویولن، باین ترتیب که ارکستر تشکیل میشد از يك دسته  
نوازندگان ویولن و کمانچه و يك دسته نوازندگان تار و يك نوازندهٔ پیانو و يك  
نوازندهٔ تمبک.

بعضی از دستجات موزیک نظام هم ارکستر سازهای آرشه‌ای داشتند که علاوه  
بر اجرای آهنگ‌های اروپایی گاه بگاه نغمات ایرانی نیز مینواختند و آهنگ‌های وطنی  
این ارکستر را افسران موزیک نظام تنظیم و با هارمونی مختصری اجرا میکردند.  
در موزیک‌های بادی نظامی هم علاوه بر مارش‌ها و آهنگ‌های اروپایی نغماتی از موسیقی  
ملی در برده‌های ماهور و اصفهان و چهارگاه نواخته میشد و این نغمات اولین نمونه-  
هاییست که با هارمونی مختصر از موسیقی ایرانی در ارکستر اجرا شده است.

در جشن فارغ‌التحصیلی مدرسهٔ موزیک نیز که سالی يك بار تشکیل میشد هیئت  
ارکستر مدرسهٔ مزبور نغماتی مینواختند که از جمله در سال ۱۳۰۵ هیئت ارکستر  
مدرسه پیش درآمد ماهوری را که سالار معزز برای ارکستر هارمونیزه کرده بود  
نواخت و نگارنده که در میان تماشاچیان حضور داشته آنرا استماع کرده است.

موضوع هارمونی هنوز بگوش ایرانیان آشنا نبود و درست آنرا درک نمی-  
کردند. از سال ۱۳۰۲ که آقای علی‌نقی وزیر مدرسهٔ عالی موسیقی را تأسیس کرد  
و از سال بعد هیئت ارکستر آن مدرسه تشکیل شد و انجمنی بنام « کلوب موزیکال »  
در آن مدرسه آغاز شد در هفته يك شب که هیئت ارکستر مدرسه برای اعضای کلوب  
نوازندگی میکردند، ساخته‌های وزیر را که هارمونیزه شده بود مینواختند و اولین  
کنسرت‌های عمومی آن مدرسه از سال ۱۳۰۴ آغاز شد و چند سال ادامه داشت. ساز  
های این ارکستر نیز عبارت بود از ویولن - ویولن سل - کنترباس - فلوت و  
انواع تار.

درین موقع وزیر ابتکاری کرد و چند نوع تار را در ارکستر وارد کرد. تار  
کوچکتر از تار معمولی بنام « تار سپرانو » که يك پنجم از تار معمولی زیرتر بود و  
دو تار دیگر باسیم‌های روده‌ای بنام آلتو و باس که یکی يك پنجم از تار معمولی بم‌تر  
و دیگری يك هنگام پایین‌تر از تار کوك میشد.



وزیری چند «دومت» برای دو نوازنده تار نوشت که بعضی از آنها در کتاب دستور تار چاپ شده است و یک «تریو» هم برای تار - تار آلتو و تار باس نوشته است که در همان زمان چندبار اجرا شده ولی بچاپ نرسیده است.

پس از آنکه مدرسه موزیک تبدیل بمدرسه موسیقی دولتی شد و وزیر رییس آن گردید در ارکستر آن مدرسه که از سازهای مختلف اروپائی و ملی تشکیل میگردد، گاه بگاه آهنگهای ایرانی هم که بیشتر از تصنیفات وزیر بود نواخته میشد. این مدرسه بعد تبدیل بهنرستان موسیقی گردید و از زمانی که ریاست آن با آقای غلامحسین مین باشیان شد دیگر توجهی بموسیقی ملی در آن بعمل نیامد و بعدها که ارکستر آن توسعه یافت و هنرستان عالی موسیقی شد، چون در حقیقت نمونه کنسرواتوار ایران شد ارکستر آنهم بسبب کاملاً غربی درآمد و همیشه آثار موسیقی کلاسیک خارجی را اجرا میکرد، تا اینکه چند سال قبل ارکستر سنفونیک واحد مجزائی شد و ارکستر هنرستان که محدود بهنرجویان است جنبه ارکستر آموزشی هنرستان را پیدا کرد.

پس از تأسیس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ ارکستری نیز در آن انجمن تشکیل شد که قسمتی از آهنگها را باهارمونی مینواخت و بعد از چند سال که از تأسیس هنرستان موسیقی ملی گذشت، ارکستر آن هنرستان بصورت کاملتری تشکیل شد و نواختن آهنگهای موسیقی ملی را مخصوصاً از سال ۱۳۳۲ که چهار سال از تأسیس آن هنرستان گذشته بود ادامه داد.

طولی نکشید که هنرهای زیبای کشور تصمیم گرفت ارکستر هائی تشکیل دهد که از واحدهای آن اداره باشند مانند ارکستر هائی که ابوالحسن صبا - علیمحمد خادم میثاق - حسن رادمرد رهبری میکردند و بعدها ارکستر هائی که آقایان دهلوی - پورتراب - کسروی و حق کردار رهبری مینمودند. در این ارکسترها علاوه بر سازهای اروپائی از سنتور و تار نیز استفاده شده است.

اما ارکستری که فقط از سازهای ملی تشکیل شده باشد نخستین بار در هنرستان موسیقی ملی بنام ارکستر تار و سه تار در سال ۱۳۳۱ شروع بکار کرد که رهبر آن آقای نصراله زرین پنجه بود. سپس ارکستر سازهای ملی بر رهبری آقای مهدی مفتاح در همان هنرستان تشکیل شد که نوازندگان آن بیشتر بودند. بعدها ارکستر دیگری در هنرهای زیبا شروع بکار کرد که علاوه بر تار و سه تار و کمانچه و عود و قانون و سنتور از غیچک هم که نوعی کمانچه قدیمی است استفاده شد و چندی پیش ارکستر دیگری ضمن برنامه های هنرهای زیبا یک بار در تلویزیون بر رهبری مرحوم نصرت اله کلیا بگانی نوازندگی کرد که از غیچک آلتو و باس هم که در کارگاه سازهای هنرهای زیبا تهیه شده بود استفاده کرده بودند و ارکستر خوش صدای منظمی بود که نماینده زحمات



رهبر آن بشمار میرفت و با درگذشت رهبر آن معلوم نیست که در آینده چه سرنوشتی خواهد داشت. شك نیست که اگر تمرین این ارکستر ادامه پیدا کند از لحاظ هنری و مخصوصاً حفظ خصائص موسیقی ملی در ارکستر شایان اهمیت بسیار میباشد.

از لحاظ هنروازی چندساز، در سالهای قبل دو ممتی برای دوستور از آثار آقای دهلوی شنیدم که آقایان فرامرز پایور و صفوت مینواختند که قابل تحسین بود. مخصوصاً اگر این روش ادامه یابد و کلاس هنرواز در هنرستان موسیقی ملی بکار خود ادامه دهد کاری در خور توجه و برای پیشرفت هنروازی در موسیقی ملی کمال اهمیت را خواهد داشت.

ارکسترهای رادیو تقریباً يك صدائی است ولی ارکستر «گلها» که سابقه چندین ساله دارد و از دو سال پیش در تشکیلات آن تجدید نظر شده و دارای هارمونی میباشد و نوازندگان این ارکستر هم اکثراً از فارغ التحصیلهای هنرستانها هستند یکی از انواع ارکستر هارمونیزه موسیقی ملی است که چون نگارنده سمت رهبری و تهیه و تنظیم آهنگهای آنرا دارد و خود نباید راجع بآن اظهار نظر بکنم در این قسمت اظهار عقیده باشونندگان و اهل فن میباشد.

این بود داستانی از هنروازی در موسیقی ایران در گذشته و حال. بنظر نگارنده از نیم قرن باین طرف که برای تشکیل ارکستر در ایران آزمایش شده و خاصه در بیست سال اخیر باندازه کافی در این باره تجربه شده و اکنون دیگر میتوان اظهار نظر کرد که ارکستر موسیقی ایرانی باید از چه سازهایی تشکیل شود و چه روشی را در پیش بگیرد. تا آنجا که دریافته ام اغلب اروپائیان را عقیده بر اینست که ارکستر موسیقی ایران باید فقط از سازهای ملی تشکیل شود و نغمه های ایرانی باید يك صدائی و بدون هم آهنگی اجرا شود و نظر اصلی باید حفظ خصائص موسیقی ملی باشد. حال بینیم در کشورهای دیگر شرقی چه کرده اند. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد یعنی یا از نزدیک دیده یا آثار ارکسترهای شرقی بعضی از ملل شرق را از رادیو یا صفحات موسیقی شنیده، در بیشتر کشورها از سازهای اروپائی هم در ارکسترهای ملی استفاده کرده اند. در ترکیه و سوریه و مصر علاوه بر عود و قانون و امثال آن از ویلن و ویلن سل نیز استفاده شده است. در هندوستان نیز در ارکستر بزرگی که در رادیو دهلوی دیدم علاوه بر انواع سازهای هندی، ویلن و قره نی و کنترباس نیز در ارکستر بود ولی بطور کلی اغلب ارکسترهای شرقی يك صدائی است و چون اکثر نوازندگان بنحط موسیقی آشنائی ندارند تمرین بسیار می کنند و در اثر همین تمرین زیاد روی هم رفته صدای ارکستر خوب است.

در اتحاد شوروی ارکسترهای مختلف از سازهای ملی در باکو - تفلیس -



ایروان - عشق آباد - تاشکند - دوشنبه و سایر مراکز جمهوریهای آسیای شمالی تشکیل داده اند و تا آنجا که دیده یا آثار آنها را استماع کرده ام در هیچیک از این ارکسترها از سازهای اروپایی استفاده نشده و تقریباً همه بدون هم آهنگی است ولی يك نمونه از ارکستر هم آهنگ را در هفت سال پیش در تاشکند شنیدم که در تالار کنسرواتوار مشغول تمرین بود. سازهای ارکستر عبارت بود از انواع کمانچه و رباب و سنتور - دوتار و نی و سرنا. چهار نوع کمانچه از زیر تا بم مثل انواع ویلن در ارکستر بکار برده بودند همین طور چند قسم رباب و دوتار و غیره. این ارکستر هم آهنگی داشت و «سعیدعلی اوف» رهبر ارکستر از روی پارتیتوری که برای تمام سازها نوشته شده بود ارکستر را رهبری میکرد و نوازندگان همه از روی نت مینواختند. صداداری ارکستر بسیار خوب بود و خاصیت محلی و ملی و شرقی آن هم در عین حال خوب حفظ شده بود و این بهترین ارکستر موسیقی شرقی است که من تاکنون شنیده ام. البته باز هم تکرار می کنم که در این ارکستر هم سازهای اروپایی بکار نرفته بود.

از طرف دیگر استفاده از سازهای ملی هم در ارکستر سنفونیک سابقه دارد چنانکه در این قسمت هم در اتحاد شوروی تار را در ارکستر بسبک غربی بکار برده اند و گویا اولین بار آهنگساز معروف آذربایجان شوروی «عزیر حاجی بکوف» این کار را در پارتیتور اِپرا معمول کرده. نگارنده نیز در اِپرای باکو این روش را از نزدیک دیده است.

بنظر نگارنده در مورد موسیقی ایرانی باید از سه نوع ارکستر استفاده شود:

۱ - ارکستری که فقط از سازهای ملی تشکیل شود و نغمات ایرانی را بدون هم آهنگی بطور يك صدائی با حفظ کامل خصائص ملی اجرا نماید.

۲ - ارکستری که از سازهای مختلف غربی و ایرانی با تشکیلات صحیحی ترتیب داده شود و آهنگهای ایرانی را با هارمونی مناسب اجرا نماید نظیر ارکستر صبا و امثال آن در هنرهای زیبای کشور و ارکستر گلپای رادیو ایران. البته در این نوع ارکستر هم می توان خصائص ملی موسیقی مخصوصاً فواصل اختصاصی موسیقی ملی را حفظ نمود و با همان کیفیت طبیعی خود اجرا کرد بشرط آنکه از استعمال انواع سازهای مسی و برنجی که برای موسیقی ما با کیفیت طبیعی مناسب نیست احتراز شود.

۳ - ساختن قطعاتی روی تم های موسیقی ملی و آهنگهای محلی و پرورش آنها و اجرای شان در ارکستر سنفونیک بسبک موسیقی علمی بدون در نظر گرفتن فواصل مخصوص موسیقی ایرانی نظیر «رنکارنگ» ساخته آقای حشمت سنجری و امثال آن.

۱ - سنتور را چنگ مینامیدند و کمانچه را شجک.



در این قسمت موسیقی دانه‌های تحصیل کرده ما امثال آقایان ملك اصلانیان ، فریدون فرزانه ، تمین باغچه بان ، حسین ناصحی ، مرتضی حنانه ، مصطفی پورتراب و امثال آنها می‌توانند دست بکار شوند . البته توفیق در این امر موکول باینست که ماهی چندبار تمرین ارکستر سنفونیک را باین کار اختصاص دهند که آثار آهنگسازان ایرانی را که برای این نوع ارکستر نوشته شده اجرا نمایند و کنسرتی از این آهنگها ترتیب دهند تا همه بشوند و موضوع آهنگسازی در موسیقی ایرانی بروش علمی ترویج شود تا هم موجب پیشرفت موسیقی ما شود و هم بتوانیم نمونه‌هایی از موسیقی خود را بدنیای متمدن معرفی کنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی